

# وضعیت



دکتر لطف الله یارمحمدی

# آموزش زبان فارسی در جهان امروز

از دکتر لطف الله یارمحمدی  
استاد دانشگاه شیراز

## مقدمه

در دویست و هفتاد و سومین جلسه مورخ ۷۲/۱۱/۲۴ شورای عالی برنامه‌ریزی، برنامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان تهیه شده در کمیته زبان‌شناسی را تصویب و به دانشگاهها ابلاغ کرد. در مقدمه این برنامه آمده است «با توجه به گسترش روزافزون زبان فارسی در میان مردم جهان به ویژه مسلمانان سراسر گیتی و بالاخص مسلمانان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی می‌توان با قاطعیت ادعا کرد که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، زبان فارسی به عنوان زبان سیاسی کشورهای مسلمان مورد توجه مسلمین جهان و در نتیجه مورد توجه مردم استقلال طلب جهان قرار گرفته است. به همین خاطر ایران به عنوان پایگاه نخستین این زبان می‌بایست در راه گسترش هر چه بیشتر زبان فارسی و آموزش علمی این زبان بر اساس دیدگاههای نوین زبان‌شناسی پیشقدم می‌شد.» یکی از اهداف اصلی و اولیه این برنامه تربیت متخصصین برای آموزش «علمی» زبان فارسی به غیر فارسی زبانان می‌باشد. به نظر می‌رسد اگر به این برنامه توجه کافی مبذول گردد و به خوبی از آن بهره‌برداری شود، می‌تواند بخشی از مشکلات آموزش زبان فارسی بخصوص برای غیر فارسی زبانان را حل کند.

هدف سخن امروز من این است که تا حد توان ابعاد گسترش زبان فارسی در جهان و لزوم برخورد روشمندان و علمی با نیازهای آموزشی و پژوهشی موجود را روشن نمایم و نیز اهمیت برنامه‌هایی این چنین را خاطرنشان سازم. طبعاً چون وقت فوق‌العاده کوتاه است، بسیاری از مطالب با اجمال عرضه خواهد شد.

## گسترش زبان فارسی، موقعیت‌ها و ویژگی‌ها

مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه و دانشگاه سوربن پاریس در روزهای ۲۹ و ۳۰ فروردین ۷۵ مجلسی علمی برای بحث و بررسی موضوع «زبان فارسی در جهان امروز» برگزار می‌کنند. در آگهی اعلام خیر آمده است که مباحث سمینار حول محور چهار موضوع دسته‌بندی می‌شود که عیناً در زیر نقل می‌شود:

### ۱. تاریخ زبان فارسی خارج از پهنه فرهنگی ایران

وضعیت زبان فارسی در جهان به عنوان زبان مناطق زبانی، زبان فرهنگ یا زبان تجارت در آسیای مرکزی، چین، هند، قفقاز، امپراتوری عثمانی، بالکان، آسیای شرقی...

### ۲. فارسی در پهنه فرهنگی ایران امروز (ایران، افغانستان، تاجیکستان)

محصولات ادبی، علمی، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما؛ فارسی و مردمی که فارسی زبان مادری آنها نیست؛ روابط زبانی و فرهنگی بین حکومت‌ها.

### ۳. فارسی خارج از پهنه فرهنگی ایران امروز

آفرینش ادبی و فرهنگی به فارسی (چاپ، مطبوعات، رادیو، آموزش...) به ویژه در مناطق زبانی جدید (کالیفرنیا، اروپای غربی، استرالیا، اسرائیل، ترکیه، هند)؛ چهارچوب حقوقی فارسی و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی فارسی در سرزمین‌های پذیرای این زبان (و دانشگاهها و شرق‌شناسان)

### ۴. وحدت و تنوع فارسی معاصر

روابط زبانی رسمی و یا غیررسمی بین کشورهای فارسی زبان و مناطق زبانی. سیاست‌های نشر زبان فارسی: نشر نوشته‌ها و رسانه‌ها به فارسی. تحولات زبانی فارسی معاصر، فارسی ایران و مناطق زبانی: هنجارها، هنجارگریزی‌ها، مکان‌ها، معیارسازی‌ها. آموزش زبان فارسی در دنیای غیر فارسی: روش‌های آموزش، ابزارهای آموزشی (فرهنگ، کتاب‌های دستور). (رک، خبرنگار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۵: ۱۳۷۴).

موضوعات مطروحه در این سمینار می‌تواند تا حد زیادی وسعت و دامنه ابعاد برنامه‌ریزی زبانی فارسی در جهان امروز را در نظر ما محسّم نماید. در این باب نکاتی را اضافه می‌نمایم.

## الف . مسئله آموزش زبان فارسی در داخل محدوده ایران

نگارنده در جای دیگر (یار محمدی، ۱۳۷۱) گفته است که در داخل کشور ایران زبان پارسی با گویش‌های مختلف آن زبان مادری نیمی از مردم است. نیمی دیگر به زبان‌های محلی چون ترکی، کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، عربی، آسوری، ارمنی و غیره سخن می‌گویند. گفته شده است که از جهت نوع کلان شیوه آموزشی فارسی جمعیت داخل مملکت را می‌توان حداقل به چهار گروه تقسیم کرد. گروه اول آنان که زبان مادریشان فارسی است. گروه دوم شامل کسانی می‌شود که زبان مادریشان فارسی نیست ولی به علت متولد شدن یا سکونت طولانی در منطقه فارسی زبان تسلط زبانی آنها به پارسی مانند پارسی زبانان است، مانند ترک‌های ساکن تهران. گروه سوم حالتی است که زبان فارسی برای سخنگویان آن به مثابه زبان دوم است، مانند ترک‌های ساکن تبریز یا زنجان. گروه چهارم وضعی است که زبان پارسی برای فراگیران حکم زبانی خارجی دارد، مانند ترک‌های ساکن روستاهای آذربایجان که فارسی را فقط در سرکلاس درس یا از طریق وسایل ارتباط جمعی فرا می‌گیرند و در منزل و کوچه و برزن سر و کاری با زبان فارسی ندارند. چنین وضعی را در مورد زبان‌های قومی دیگر نیز می‌توان متصور شد. این گروه‌ها می‌توانند هر یک به زیرگروه‌های خردسال و بزرگسال تقسیم شوند. طبیعی است که در حالتی آرمانی هر یک از این گروه‌ها و زیرگروه‌ها شیوه آموزشی خاص خود را می‌طلبند و به مواد آموزشی مخصوص نیاز دارند.

به این مجموعه گروه پنجم و ششمی اضافه شده است و آن مهاجرین افغانی و عراقی است. مشکل این مهاجرین را دست کم نگیرید. وزیر آموزش و پرورش (نجفی، ۱۳۷۴) می‌گوید که تاکنون در داخل کشور بیش از ۷۰۰۰۰۰ دانش آموز افغانی و ۲۲۵۰۰۰ دانش آموز عراقی در سطوح مختلف و بیش از ۲۵۰۰۰۰ بزرگسال افغانی و ۱۵۰۰۰ بزرگسال عراقی تحت پوشش آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند.

## ب . قلمرو زبان فارسی در خارج از کشور

حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید  
تا حد چین و مصر و به اطراف روم و ری  
از باب موقعیت زبان فارسی و مشکلات احتمالی  
خاصی که بر نحوه برخورد ما با این موقعیت‌ها تأثیر  
می‌گذارد شاید بتوان تقسیم‌بندی زیر را متصور شد:

یکم: زبان فارسی در شبه قاره هند (مانند هند و پاکستان و بنگلادش). دوم: زبان فارسی در کشورهای دیگری که این زبان در آنجا سنت ریشه‌دار دارد (مانند ترکیه، کشورهای عربی بخصوص مصر، کشورهای منطقه بالکان و بالآخره چین و اندونزی). سوم: زبان فارسی در کشورهای آسیای مرکزی و حوزه فقفاقر بخصوص تاجیکستان، ازبکستان و آذربایجان. چهارم: زبان فارسی در جهان غرب و ژاپن و پنجم: زبان فارسی در ممالک دیگر بخصوص کشورهای قاره سیاه آفریقای. علاوه بر این پنج گروه از گروه ششمی نیز باید نام برد و آن گروه مهاجرین ایرانی می‌باشند که در بعضی از ممالک (بخصوص اروپا و آمریکا) سکنی گزیده‌اند. اهمیت این دسته از مهاجرین را در گسترش زبان و ادب پارسی نباید نادیده گرفت. اینان چه خوب و چه بد زبان و فرهنگ ایران را با خود برده‌اند. انسان تا موقعی که در مملکت خود است قدر و قیمت زبان خود را نمی‌داند. به محض اینکه در محیطی بیگانه قرارگفت احساس خلاء فرهنگی می‌کند و به دنبال تثبیت هویت می‌رود. روی این اصل است که مهاجرین هم اکنون دست به انتشار نشریه‌های گوناگونی زده‌اند که حداقل بخشی از آن صبغه فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ادبی دارد. مدارس مخصوص ایجاد کرده‌اند و بخصوص در روزهای شنبه و یکشنبه کلاس‌های آموزش فارسی برای فرزندان خود دایر نموده‌اند. نسل دوم این گروه می‌تواند در گسترش فرهنگ و ادب فارسی نقش قابل توجهی بازی کند. از تعداد این مهاجرین آمار دقیقی در دست نیست. گاهی در روزنامه‌ها صحبت از رقم یک میلیون یا بیشتر می‌شود. تنها آمار مکتوبی که وجود دارد، این است که در آمریکا در سرشماری رسمی حدود دو سال پیش که پرسیده شده بود در منزل به چه زبانی صحبت می‌کنید ۲۰۲ هزار نفر پاسخ داده بودند که در منزل فارسی صحبت می‌کنند (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادب پارسی، آبان ۱۳۷۲، شماره ۲۰، ص ۱۷) و یا اینکه در شهر اتاوا، کانادا حدود ۴۵۰۰ نفر ایرانی مقیم هستند (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادب فارسی، دی ماه



هستم و این چنین هستم. کشمیر جایی بسیار زیباست و شهر سرینگار زیباتر و در کنار رودخانه‌ای در پایین کوهپایه‌های هیمالیا قرار دارد. صبح هنگام موقعی که آنجا بودم اغلب نم‌باران می‌بارید و سرشار از سبزی و گل بود. بیهوده آنجا را سویس آسیا نگفته‌اند. یکی از این روزها به مزاح به هتلدار گفتم تو باید خیلی خوشحال باشی در چنین سرزمینی زیبا زندگی می‌کنی. بی‌خود نیست که حافظ هم به «سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی» ارادت ورزیده است. بلافاصله جواب داد:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم همه کشمیر و هیمالیا را

واقعاً بجا گفته است اقبال لاهوری که کشمیر «ایران

صغیر» است: آفرید آن مرد ایران صغیر

با هنرهای غریب و دلپذیر

رادفر (۱۳۷۲) گزارش می‌دهد که نهمین سمینار بازآموزی مدرّسان و استادان زبان فارسی هند در ۷۲/۲/۱۸ به یادواره هندویی اختصاص داشت که مطبوعه‌ای تأسیس کرده بود که در آنجا بیش از یک هزار جلد کتاب فارسی نشر داده بود. ماهیار (۱۳۷۰) می‌نویسد که کلیه هزینه‌های هشتمین سمینار بازآموزی هند را یکی از شرکت‌کنندگان پرداخت به منظور اینکه در آن جلسات شرکت کند.

بد نیست بطور گذرا اضافه شود که برابر گزارش‌هایی که در دست داریم (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادب فارسی، تیر ماه ۱۳۷۱، شماره ۱۳، ص ۲۱) در حال حاضر در هند حدود ۳۶ دانشگاه در مقطع فوق لیسانس و دکترا و ۲۰ دانشگاه در مقطع لیسانس و حدود ۲۰۰ دانشگاه در سطح لیسانس عمومی برنامه آموزش زبان فارسی دارند و حدود ۱۵۰ استاد زبان فارسی در دانشگاه‌ها به تدریس مشغولند. البته این آمار مدارس دینی متعدد و دوره‌های قبل از دانشگاه را (که نسبت به گذشته آموزش زبان فارسی بسیار تضعیف شده است) در بر نمی‌گیرد. باز رادفر (۱۳۷۳، ۱۲) اشاره می‌کند که تنها در مرکز استاد ملی حیدرآباد ده میلیون سند فارسی وجود دارد.

در پاکستان و بنگلادش کم و بیش وضع به همین صورت است. مثلاً تنها در لاهور پاکستان در سال ۱۳۷۰ تعداد ۱۱۵ نفر در دوره فوق لیسانس، ۵۹۸ نفر در دوره لیسانس و ۱۸۶۹ نفر در دوره فوق دیپلم تحصیل می‌کرده‌اند و تعداد ۶۴۵۶ نفر هم در دوره لیسانس زبان فارسی را به عنوان درس انتخابی گرفته‌اند. برای اینان

۱۳۶۹، شماره ۴، ص ۳۳).

آنچه در دو بیت حافظ در بالا آمده است حداقل در مورد سه فقره اول با تفاوت‌هایی صادق است. وضع به طوری است که در این مناطق فرهنگ و زبان و ادب پارسی در عمق روح آحاد مردم لانه‌گزیده است و تنها جنبهٔ روساختی و ظاهری ندارد. در باب پیشینه و گسترش نفوذ زبان فارسی در این مناطق سخن‌های فراوان گفته شده است و تکرار آنها ملال‌آور است. نگارنده در اینجا اشاراتی چند متذکر می‌شود که مبین احساس درونی و نگرش این مردم می‌باشد.

چند سالی پیش من در کشمیر بودم. به دعوت آقای دکتر شمس‌الدین احمد رییس بخش فارسی دانشگاه سرینگار دو سخنرانی در زمینهٔ زبان فارسی در آنجا داشتم. شام که در منزل ایشان بودیم تعریف‌ها می‌کرد از علاقهٔ مردم به زبان و ادب پارسی و افسوس‌ها می‌خورد که زبان فارسی در هند رفته رفته تضعیف می‌شود. علل مختلف سیاسی و شغلی کمبود اساتید و نبود مواد آموزشی مناسب برای آن ذکر می‌کرد. ولی جالب اینکه وقتی عقدنامهٔ مادر خویش را به من نشان داد دیدم با خطی دستنویس زیبا و انشایی خوش به فارسی نگاشته شده بود. در هتلی که اقامت داشتم هتلدار که فهمید من ایرانی هستم و از شیراز می‌آیم هر روز قبل از صبحانه با لهجهٔ دلپذیر خود یک غزل ناب حافظ به من تحویل می‌داد و من داشتم عقده‌ای می‌شدم که این هتل چی کشمیری (که با هم به زبان انگلیسی صحبت می‌کردیم) چقدر غزل حافظ را حفظ کرده است و من به حساب استاد دانشگاه

جمعاً ۴۶ نفر استاد وجود داشته است. البته دوره‌های دکترای زبان و ادب فارسی نیز در هند و پاکستان در دانشگاه‌های زیادی ارائه می‌شود.

در دانشگاه داکا نیز دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس و دکترای زبان و ادب فارسی دایر است. قسمت اعظم واژگان اردو را فارسی تشکیل می‌دهد. زبان بنگالی و فارسی نیز در ۹۰۰۰ کلمه با هم مشترکند. (رک، مجله سروش، ۱۰۴: ۱۳۷۴). خوانندگان این سطور غزل معروف حافظ را به خاطر دارند که می‌گوید:

حافظ حدیث سرو و گل و لاله می‌رود

وین بحث با لاله غساله می‌رود

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی به بنگاله می‌رود

به روایتی گفته شده است که مصرع اول این غزل را خود سلطان غیاث الدین سلطان بنگال سروده و با دعوت از حافظ به بنگال به او فرستاده و حافظ غزل را تکمیل به سلطان عودت داده است. (رک، کهدویی، ۷۴: ۱۳۷۳).

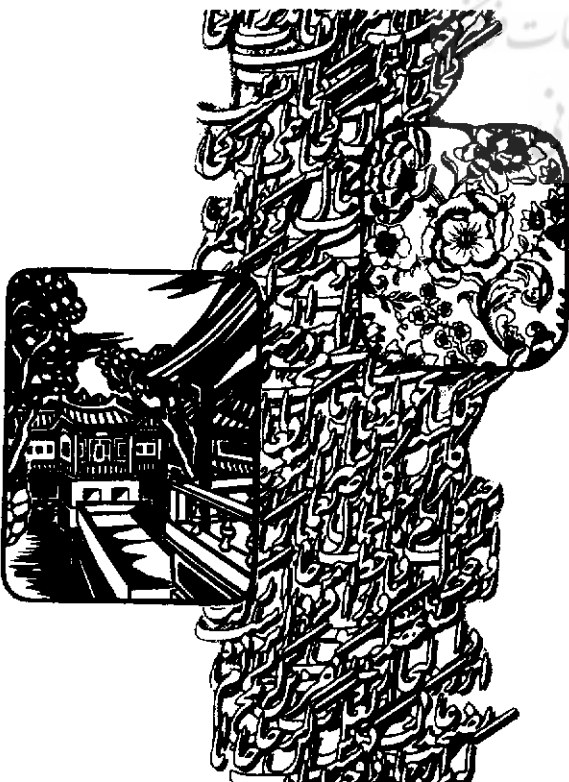
در نامه فرهنگستان سال اول شماره سوم (۱۵۴: ۱۳۷۴) ضمن توضیح درباره مقاله‌های «حافظ شناسی در بنگال» نوشته بانو کلثوم ابوالبشر و «نخستین شرح فارسی دیوان حافظ در شبه قاره» نوشته عارف نوشاهی می‌افزاید که «فقط در کتابخانه‌های پاکستان ۳۲۵ نسخه خطی از دیوان حافظ وجود دارد و این دیوان در شبه قاره (تا سال انتشار مقاله) یعنی سال ۱۳۷۶، ۱۳۲ بار چاپ شده است».

یادمان باشد که گفته‌اند از ۲۵۰ فرهنگ لغت فارسی یا بیشتر که داریم بیش از ۲۰۰ مورد آن در شبه قاره نوشته شده است و کتاب‌های فارسی در آغاز در شبه قاره و در ترکیه به زیور چاپ آراسته شد و در آغاز انقلاب مشروطه روزنامه‌ها و مجلات پارسی در کشورهای شبه قاره و ترکیه چاپ و به ایران فرستاده می‌شد.

در مورد گروه دوم ابتدا از چین و اندونزی شروع می‌کنیم. صدیقیان (۱۴: ۱۳۷۳) می‌گویند خودم در عقد یک زوج مسلمان در چین حاضر بودم و شنیدم که آخوند «بعد از ادای جملاتی به چینی خطاب به داماد و عروس از آنها پرسید «قبول کردی» و آن دو در وقت جدا گفتند «قبول کردم» و همچنین می‌گویند کتاب دعایی در باب مراسم مذهبی مسلمانان چین که مربوط به نمازهای مختلف عید فطر، شب و مراسم دیگر می‌شود با خود آوردیم. دعاها همه به عربی است ولی نیت‌ها همه به فارسی است مثلاً «آب دست می‌کنیم به قصد گزاردن نماز

پیشین به نیت نزدیکی به پروردگار». یا «بانگ نماز» به جای اذان و گاه تشهد و «بانگ جای» به جای مناره یا محل اذان بکار رفته است.

شریعت در هنگام اقامت خویش در چین به نسخه‌ای خطی در یکی از مساجد پکن برخورد کرده است که توسط فردی چینی به نام محمد بن الحکیم الرزیمی الشندوشی الصینی (۱۳۶۰) با عنوان منهاج الطلب در سال ۱۰۷۰ هجری قمری نوشته است. شریعت در مقدمه کتاب می‌گوید این اثر کهن‌ترین دستو زبان فارسی به فارسی است. گزارش شده است که در دانشگاه پکن دوره‌های لیسانس زبان فارسی، فوق لیسانس ادبیات فارسی و فوق لیسانس تاریخ ایران وجود دارد. آمار از اقبال چینیان به زبان فارسی داریم که بسیار جالب است. در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه استان لیاونیک ۱۵۰۰ نفر درس ادبیات فارسی انتخاب کرده‌اند. یک هزار نفر از طریق دانشکده‌های مکاتبه‌ای زبان فارسی را برگزیده‌اند. ادب فارسی در پوشش تلویزیونی ۴۰۰ هزار دانشجو دارد و بطور کلی در سراسر چین حدود یک میلیون نفر زبان و ادب فارسی فرا می‌گیرند (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادب فارسی، شهریور ۱۳۷۰، ص ۱۲) گفتنی است که چندی است که بین دانشگاه تهران (مؤسسه لغت نامه دهخدا) و پکن قراردادی جهت تدوین لغت نامه چینی - فارسی منعقد شده است که تعدادی از اساتید ما به تناوب برای انجام این امر به چین آمد و شد کرده‌اند.



در مورد اندونزی محمد ظفر اقبال (۱۳۷۳) که خود اهل پاکستان است و در دانشگاه اسلامی شریف هدایت الله در شهر جاکارتا تدریس دروس زبان فارسی را بر عهده دارد طی مقالهٔ مبسوطی تحت عنوان «نمود فرهنگ ایران در فرهنگ و ادب اندونزی» می‌گوید جمعیت اندونزی بر ۱۸۴ میلیون نفر می‌رسد که ۸۷/۱ درصد آن مسلمانند و مذهب شیعه نیز پیروان زیادی در اندونزی دارد و در گذشته بیشتر حکومت‌های اسلامی در سوماترا شیعه بوده‌اند. در گسترش اسلام تاجران و مبلغان ایرانی سهم زیادی داشته‌اند. در اواخر قرن ۱۵ میلادی بیشتر تاجران ایرانی در بندرهای اندونزی و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا سکونت می‌گزیدند.

اولین مبلغ اسلام در جاوه حضرت ملک ابراهیم کاشانی بوده است که در سال ۱۳۹۹ میلادی به جاوه وارد شد. فردی از اهالی شیراز زمانی منصب قاضی القضاة سلطنت اسلامی «پاسی» را در اندونزی بر عهده داشته است. بنابراین فرهنگ و ادب اسلامی و ایرانی نفوذ عمیقی در اندونزی بر جای گذاشته است. مراسم عزاداری ایام عاشورا در اندونزی بسیار مفضّل است. در منطقه‌ای به نام پارایامان همه مردم در این مراسم شرکت می‌کنند و اگر شخصی در روز عاشورا همسر خود را به این مراسم نبرد بین زوجین چنان اختلافی ممکن است صورت گیرد که به طلاق منجر شود. در اندونزی مانند ایران قبور امامزاده‌ها و عرفا فراوان و زیارتگاه مردم است. مثلاً آرامگاه یکی از دانشمندان ایرانی به نام سید شریف خیر بن امیر علی استرآبادی متوفی در سال ۸۳۳ هجری در سوماترای شمالی قرار دارد. آرامگاه نائینا حسام الدین (متوفی در ۱۴۲۰ میلادی) نیز در سوماترا واقع است. بر سنگ قبر این شخص عبارات فارسی زیر نوشته شده است. «سالها گذشت روی مزار ما آب فواره فشارید و باد صبا وزید یک لحظه است عمر انسان، چرا روی مزار دیگران با غرور می‌گذریم» و بالاخره به قول نویسنده بسیاری از آثار کلاسیک زبان فارسی نیز به زبان اندونزیایی ترجمه شده است که در ادبیات آن سرزمین تأثیر مشهود گذاشته است. اکنون به غرب ایران و به حوزه بالکان و ترکیه نظر افکنیم. تقوی (۱۹: ۱۳۷۴) از ضرب المثلی در بوسنی و هرزگوین نام می‌برد و آن این است «در بهشت به زبان عربی سخن می‌گویند، لیکن اگر می‌خواهی به بهشت بروی باید زبان فارسی بدانی». شاید بدانید که اولین شارح حافظ و سعدی در اروپا احمد سودی افندی بسنوی بوده است که بعداً به استانبول و دیگر نقاط سفر کرده و به سه زبان ترکی،

فارسی و عربی کاملاً تسلط داشته است. کتاب شرح سودی بر حافظ در چهار جلد بسیار معروف است و توسط خانم دکتر عصمت ستارزاده به فارسی ترجمه شده است. شرح بوستان سعدی این شخص نیز توسط اکبر بهروز به فارسی برگردان شده است. (رک. رادفر، ۱۸: ۱۳۷۲). البته ایشان شارح گلستان سعدی و مثنوی مولوی نیز می‌باشند. نام نعیم فراشری (۱۹۰۰ - ۱۸۴۶) شاعر بزرگ پارسی‌گوی آلبانی را احتمالاً شنیده‌ایم. این سه بیت شعر از این شاعر در زیر آورده می‌شود:

ای فروغ عشق بی تو زیستن

بدترست اندر جهان از نیستن

از دل پر درد من هرگز مرو

لحظه‌ای از خاطر غایب مشو

چونکه با تو این دلم خو کرده است

از ازل خود الفت تو کرده است

این سلاست و روانی گفتار در شعر فردی از قلب بالکان در اواخر قرن نوزده میلادی انسان را به تحسین وامی‌دارد (رک. گلشنی، ۵۷: ۱۳۵۲).

در مورد ترکیه ما به توضیح زیادی نیاز نداریم. زبان پارسی در ترکیه مانند شبه قاره پیشینه دیرینه دارد. شاعران ترک پارسی‌گوی فراوان داشته‌ایم. سلاطین عثمانی با اینکه ترک زبان بودند، مکاتبات و نامه‌های دیوانی خود را به زبان پارسی می‌نوشتند و می‌گویند سلطان محمد فاتح هنگامی که گام بر کاخ امپراطوری بیزانس می‌گذاشت، این شعر را خواند:

بوم نوبت می‌زند بر طارم افراسیاب

برده داری می‌کند در قصر قیصر عنکبوت

سلطان سلیم اول خود دیوانی به زبان پارسی دارد و بیت زیر بیت اول غزلی از ایشان است:

لشگر از تخت ستانبول سوی ایران تاختم

سرخ سر را غرقه خون ملامت ساختم

بسیاری از آثار کلاسیک ادب پارسی قبل از ایران در استانبول چاپ شد و از این حیث ترکیه پس از هندوستان مقام اول را دارد. قواعد الفرس قدیمی‌ترین دستور زبان فارسی است (حدود سال ۹۰۰ هجری) و توسط نویسنده‌ای ترک در استانبول به زبان عربی منتشر شد. ترکیه محل تجمع آزادی خواهان و تبعیدیان زمان قاجار بوده است و چندین روزنامه به زبان فارسی منتشر می‌شده است و یکی از این تبعیدیان میرزا حبیب رضایی است. او کتابی به نام دستور سخن نوشت که یکی از دستورهای اولین زبان فارسی می‌باشد. در عصر حاضر نیز محققان

بزرگ پارسی‌شناسی چون احمد آتش در ترکیه داشته‌ایم. در ترکیه نسخ فراوان خطی فارسی نیز داریم (رک. ولی، ۱۳۷۳). در ترکیه با وجود به ضعف گراییدن آموزش فارسی هنوز عده معتابهی در دانشگاهها به زبان پارسی گرایش دارند.

در سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱ علاوه بر دانشجویان سطوح پایین‌تر ۲۹ نفر در دوره‌های فوق لیسانس و دکترا به تحصیل اشتغال داشته‌اند. در عموم کشورهای عربی من جمله سوریه، اردن، عراق، مراکش، تونس، الجزایر، لبنان و کشورهای حوزه خلیج فارس تدریس فارسی در سطوح مختلف وجود داشته و دارد که مهمترین آنها کشور مصر است. در بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان فارسی (۱۳۷۰، شماره ۹ ص ۲۱) آمده است که در چهار دانشگاه مهم مصر یعنی قاهره، الازهر، عین‌الشمس و انستیتو زبان‌های شرقی دانشگاه اسکندریه حدود ۵۵۰ دانشجو در دوره لیسانس، ۸۰ نفر در دوره فوق لیسانس و ۲۵ نفر در دوره دکترا تحصیل می‌کنند. در این چهار دانشگاه ۳۲ استاد و ۱۲ مربی زبان و ادب فارسی به تدریس اشتغال دارند و در ۱۴ دانشگاه دیگر مصر حداقل ۲۰ هزار دانشجو فارسی را به عنوان زبان دوم انتخاب کرده‌اند. شهیدی (۱۳۷۲) می‌گوید در حال حاضر مصر از جهت اعزام استاد به کشورهای دیگر با ما رقابت می‌کند. بیشتر کشورهای عربی که به استادان زبان فارسی نیاز داشته باشند از این کشور تقاضای استاد می‌کنند و این نشان می‌دهد که زبان فارسی در آنجا هنوز زنده است.

در کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی مسئله لون دیگری دارد. ما در آذربایجان و قفقاز اصلاً احساس بیگانگی نمی‌کنیم. پس از فروپاشی شوروی این کشورها رفته رفته به اصل خویش رجعت می‌نمایند و این عین مطلوب است. زبان کشور تاجیکستان و بخش عظیمی از ازبکستان نیز پارسی است. مشکل عظیمی که در کشوری چون تاجیکستان مطرح است بکارگیری مجدد الفبای فارسی است و رهایی از الفبای سیریلیک می‌باشد. این کار، کار ساده‌ای نیست حتی برای تغییر تابلوهای خیابان‌ها و مغازه‌ها در شهر دوشنبه از خط سیریلیک به فارسی مجبور شدند از دولت ایران کمک بگیرند و برای این کار عده‌ای متخصص از ایران به تاجیکستان عزیمت کردند. حال تصور کنید که اگر بخواهند (که می‌خواهند) تمام کتاب‌های مدارس را برای همگان تغییر خط بدهند چه پر زحمت و پر خرج خواهد بود، با توجه به اینکه این کشور گرفتار جنگ داخلی است و مشکلات اقتصادی

فراوانی دارد. البته برابر گزارش از سال ۱۹۹۱ میلادی آموزش الفبای فارسی از سطح ابتدایی شروع شده است. در نظر داشته باشیم که در دانشگاههای تاجیکستان حدود ۱۵۰ نفر استاد در زمینه‌های زبان و ادب فارسی به کار مشغولند. (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادب فارسی، آبان ۱۳۷۰، شماره ۹)

در کشورهای اروپایی و آمریکا با آغاز بررسی‌های شرق‌شناسی کار مطالعات زبان، ادب، تاریخ و فرهنگ ایران بالا گرفت و در بسیاری از دانشگاهها تدریس زبان و ادبیات فارسی دایر شد. با اینکه برخی از مطالعات شرق‌شناسی به اغراض سیاسی آلوده بوده است ولی نمی‌توان خدمات اینان را بخصوص در کشف و توصیف زبان‌های باستانی ایرانی و روشمند ساختن مطالعات زبانی و ادبی نادیده گرفت. ما بسیاری از این محققان را می‌شناسیم که واقعاً به زبان و ادب و فرهنگ این سرزمین عشق می‌ورزیده‌اند. در همین زمان حاضر در زمینه زبان‌های باستانی بیشتر به نوشته‌های محققان غربی متکی هستیم. ما در مطالعات زبانی و ادبی نیز از اثرات افرادی چون ژوکوفسکی، کریستل سن، کنت، مکزی، بنونیست، هیننگ، ادوارد براون، نیکلسون، ریپکا، اته و بسیاری دیگر به ویژه در زمینه روش‌شناسی بهره فراوان برده‌ایم.

در ژاپن به سبک غربیان مطالعات خاورشناسی نضج گرفته و می‌گیرد. از سال ۱۹۶۱ دانشگاه اوزاکا و از سال ۱۹۸۱ دانشگاه توکیو برنامه‌های فارسی در سطح لیسانس، فوق لیسانس و حتی دکترا دایر کرده‌اند. این دو دانشگاه در هر سال هر یک ۲۰ دانشجو می‌پذیرند مثلاً در اوزاکا تا سال ۱۹۹۲ تعداد ۳۸۷ نفر در رشته فارسی فارغ‌التحصیل شده‌اند. دانشگاه دایتوبونکا نیز برنامه‌های آموزشی فارسی دارد که بعداً راجع به آن بیشتر صحبت خواهیم کرد. در ژاپن ما با آثار افرادی چون کورویاناگی، کامیوکا، یامادا و آکادا در ادبیات و لهجه‌شناسی آشنا هستیم.

در آفریقای سیاه قبل از انقلاب فعالیت زیادی در زمینه آموزش زبان فارسی صورت نمی‌گرفته است ولی بعد از انقلاب در کشورهایی چون سودان، اتیوپی، تانزانیا، کنیا، غنا، نيجریه، سیرالئون، زیمباوه و ماداگاسکار آموزش فارسی حداقل در سطوح ابتدایی توسط نمایندگی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران جریان داشته است. مثلاً برابر گزارش در سال ۱۳۷۰ در دو مدرسه دینی امام جعفر صادق (ع) و زینب (ع) ماداگاسکار ۷۰۰ نفر آموزش فارسی



دیده‌اند و هم اکنون در رشته‌های مختلف دیگر حدود ۲۷۰ نفر مشغول یادگیری فارسی بوده‌اند. (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادب فارسی، دی ماه ۱۳۷۰)

### ج. کاستی‌ها و نارسایی‌ها

شهیدی (۵: ۱۷۳۲) می‌گوید «در دوره انقلاب اسلامی گرفتاری‌های دولت از یکسو و جنگ تحمیلی در ایران از طرف دیگر سبب گردید که دولت نتواند آن توجهی را که باید به این مراکز ایران‌شناسی بکند البته قطع نشد ولی ضعیف شد. در نتیجه کرسی‌های فارسی یا برچیده شد یا ضعیف شد.» شهیدی (۱۳۷۱) در جای دیگر نقل می‌کند در سال‌های قبل در مصر از بین زبان‌های فارسی، ترکی و عبری دانشجویان معمولاً زبان فارسی را برمی‌گزیدند. دو سال قبل که ایشان برای تسلیم جایزه موقوفات دکتر افشار به دکتر امین عبدالمجید به مصر رفتند آماری به دست دادند که نشان می‌دهد که اکنون آنان که زبان عبری را انتخاب می‌کنند چند برابر آنانی هستند که فارسی را برمی‌گزینند.

انگلیسی‌ها پس از تسلط بر شبه قاره تا مدتی از زبان فارسی به عنوان زبان اداری و دیوانی استفاده می‌کردند ولی بعداً انگلیسی را جایگزین آن نمودند و بدین ترتیب زبان فارسی پویایی اولیه خویش را از دست داد. به علاوه کشورهای پولدار عربی نیز با مصرف پول سعی می‌کنند فارسی را از گود بیرون کنند و عربی را به جای آن بنشانند. دکتر اکرم شاه رییس دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب می‌گوید «کشورهای عربی توجهات بیش از اندازه‌ای به بخش عربی دارند به طوری که دانشجویانی که موفق به ورود به رشته عربی می‌شوند با اطمینان از وضعیت آینده خویش از تسهیلات بسیار گسترده‌ای چه از نظر مادی و چه از نظر مشاغل مربوط به آینده برخوردار می‌شوند. این در شرایطی است که دانشجویان رشته فارسی حتی از تأمین کتب درسی خویش نیز عاجزند» (رک، بولتن خبری شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، آبان ۱۳۶۹، شماره ۲، ص ۹).

در نامه اداره دوم جنوب آسیای وزارت خارجه آمده است «با توجه به اهمیت و نقش موضوع گسترش زبان فارسی در کشوری که پر جمعیت‌ترین کشور مسلمان دنیا می‌باشد کلاس‌های فارسی در اندونزی توسط یک معلم پاکستانی که بارها خواهان افزایش حقوق گردیده، اداره می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمایید ضمن بررسی

موضوع با اقدامات عاجل از تقلیل و انحلال کلاس‌های مذکور که با تلاش فراوان نمایندگی جمهوری اسلامی ایران و در جا کارتا تا قریب سه سال است برقرار گردیده جلوگیری نمایند» (رک، بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، آذر ۱۳۶۹، شماره ۳، ص ۱۲).

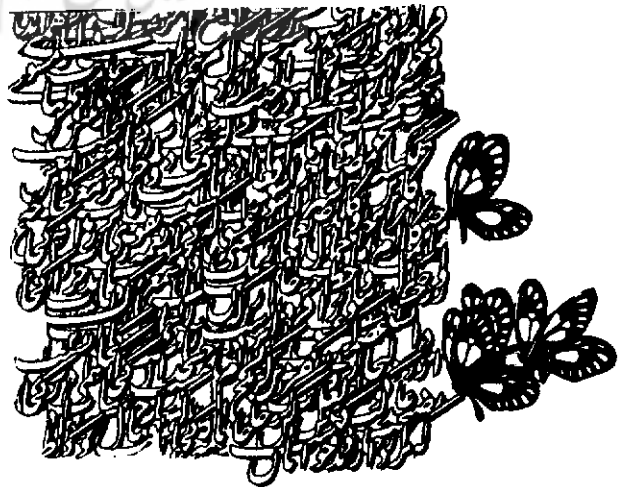
در بسیاری از کشورها چون هند، پاکستان، بنگلادش و حتی ترکیه و مصر با زبان فارسی به صورت «زبان کلاسیک» برخورد می‌کنند و فارسی از طریق زبان مادری‌شان تدریس می‌شود. حذف شدن از یا اختیاری شدن زبان فارسی در برنامه‌های پیش دانشگاهی، نبودن امکانات شغلی، کمیود اساتید با تجربه و آشنا نبودن آنان با شیوه‌های جدید آموزش، کمیود مواد آموزشی، به روز نبودن کتاب‌های درسی و کم شدن آمد و شد دانشجویان و استادان به خواستگاه مرجع زبان فارسی ایران رو به ضعف گراییده است. باید تمهیداتی فراهم آید تا زبان فارسی مقام گذشته را در یابد.

حداد عادل (۱۶: ۱۳۷۴) می‌گوید «در خارج از کشور هم می‌توانیم بگوئیم ما با وضع دوگانه‌ای روبرویم. از طرفی مخصوصاً در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه بسیاری از ملت‌ها و دولت‌ها به سوی ایران و انقلاب اسلامی جلب شده است و بسیاری از مردم علاقه‌مند به یادگیری زبان فارسی شده‌اند. در کشورهای مختلف دولت‌ها هم باید برای برقراری ارتباط بهتر و بدست آوردن آگاهی بیشتر از ایران اسلامی متخصصان فارسی‌دان و متخصصانی که آگاهی به زبان فارسی داشته باشند تربیت کنند. این نقطه مثبت است، اما آنچه منفی است این است که ما آمادگی پاسخگویی به این استقبال جهانی را به حد کافی نداریم. بسیاری از فعالیت‌های ایران‌شناسی که مستلزم ارتباط با زبان فارسی هم بوده است بعد از انقلاب لااقل تا مدتی دچار بلاتکلیفی شده است.»

یا حقی (۷۳ - ۷۲: ۱۳۷۴) ضمن مقاله‌ای مبسوط به



نارسایی‌ها و کاستی‌های آموزش زبان فارسی به خارجیان می‌پردازد. گزیده‌هایی از لابلای مطالب ایشان در زیر آورده می‌شود. «آموزش زبان و ادب فارسی امروز که ما داعیه‌دار آن و میاندار کاریم نقصان‌ها و کج‌تابی‌هایی دارد ... از شیوه تدریس ادبیات در دانشگاهها و پیش از آن در مدرسه‌ها بوی کهنگی دل‌آزایی به مشام می‌رسد ... در برخورد با زبان و ادبیات بیشتر به ظاهر و قالب بسنده می‌کنیم ... بی‌آنکه به جان مایه و پیام آثار عنایتی صورت گیرد. در برخورد با زبان و ادبیات از تحولات جهانی و نظریه‌های نوین نقد و ادب برکنار و به دور می‌مانیم ... نظریه‌های زبان‌شناسی را اصلاً به دیار ادب راهی نیست ... اکثر استادان و آموزگاران ادب فارسی خود را به دانستن زبان خارجی نیازمند نمی‌بینند و به دنبال آن هم نمی‌روند ... کم‌کم درس زبان خارجی می‌رود که در این رشته از تمام آزمون‌ها و مقاطع تحصیلی حذف شود. استادان دیگر برای ارتقاء لازم نیست مقاله خارجی داشته باشند ... ادبیات و زبان بدان گونه که ما با آن روبرویم و بدین گونه که استادان ما می‌آموزند اصلاً روش و آیین و آداب نمی‌شناسد و کاملاً من‌عندی و خودرویی ملاحظه‌ارائه می‌شود ... ذوق ادبی و دید تحلیلی در حوزه‌های ادبی دانشگاهها کمتر بکار گرفته می‌شود ... و بالاخره ضعف بنیه علمی مدرسان ... و عدم توجه به اصل تخصص و در نتیجه پراکنده‌کاری ... همه این عوارض که بیش و کم گریبانگیر اغلب حوزه‌های دانشگاهی ما است از طریق مدرسان ایرانی که برای آموزش زبان و ادبیات ایرانی به خارجی اعزام می‌شوند به دانشگاههای خارجی که در آنها تدریس زبان و ادب فارسی را برعهده می‌گیرند منتقل می‌شود.» و بالاخره می‌گوید که اعزام این افراد به خارج



حتی زینبار هم هستت و ادامه می‌دهد ... هم این مسئله و هم پاره‌ای ملاحظات دیگر موجب شده است که برخی از حوزه‌های ادب فارسی به ویژه در کشورهای پیشرفته و ثروتمند رسماً خود را از تدریس استادانی که از طرف دولت ایران برای تدریس زبان فارسی به آن جا اعزام می‌شوند بی‌نیاز بدانند ... معلم مورد نظر خود را از میان ایرانیان خارج از کشور که به سلیقه و شیوه کار آنان اعتقاد دارند برگزینند. کاری که ژاپن و ایالات متحده و بسیاری از کشورهای غربی می‌کنند. این کار در دراز مدت حوزه تسلط ما متولیان ادب فارسی را بر آموزش این زبان به کشورهای جهان سوم و دست‌بالای آن کشورهای اروپای شرقی منحصر می‌کند» و بالاخره در نهایت می‌گوید «روش شناسی را ... دست کم نگیریم ... بسیاری از همین ایران شناسان و فارسی‌شناسان که چه پژوهش‌های سامان‌دار و عبرت‌انگیزی در مورد مطالعات ایران‌شناسی و فارسی‌شناسی عرضه می‌کنند در حالی که زبان فارسی و به ویژه تکلم فارسی را ... نمی‌دانند. آنان از طریق روش‌شناسی بدون در دست داشتن منابع و مآخذ لازم پژوهش‌های موقفی در قلمرو زبان مادری ما انجام می‌دهند...»

حداد عادل (۱۷: ۱۳۷۴) ضمن تأکید بر اینکه ما اگر زبان و ادب فارسی را در داخل تقویت کنیم به طور طبیعی در خارج هم تقویت خواهد شد ابراز می‌دارد «ولی ما در آموزش و پرورش و در دانشگاهها نیاز به تعداد زیادی متخصص در بخش‌های مختلف زبان فارسی داریم که آن تعداد متخصص در کشور وجود ندارد. بنده برای مثال عرض می‌کنم که ما متخصص آموزش زبان فارسی تقریباً تربیت نکرده‌ایم. اشخاصی هستند که در این زمینه صاحب نظرند اما جایی در نظام آموزشی دانشگاهی ما برای تربیت متخصصانی برای آموزش زبان فارسی وجود ندارد. این نقص هم به اصلاح و بهبود روش‌های آموزشی و زبان‌آموزی ما در آموزش و پرورش صدمه‌زده و مانع اصلاح شده و هم سبب ضعف ما در آموزش زبان فارسی به خارجیان شده است.»

من گفته حداد عادل را قبول دارم. ما هنوز فرهنگ لغتی که مخصوص دیگر زبانان باشد در دست نداریم. یک زبان آموز خارجی باید ابتدا دستور زبان فارسی را یاد بگیرد تا بتواند از فرهنگ‌های موجود بهره‌گیرد. مثلاً باید بداند که وقتی به لفظ نمی‌رفتم برخورد می‌کند باید معنی آن را در مدخل رفتن پیدا کند. فرهنگ‌های موجود به الفاظ ترکیبی زبان فارسی در حد بسیار کمی می‌پردازند. این

نکته را با مقایسه هر یک از فرهنگ‌های فارسی با فرهنگ‌هایی چون Oxford Advanced Learners Dictionary یا Cobuild می‌توانیم دریابیم.

ما هنوز یک دستور جامع عمومی به روز در دست نداریم. مواد آموزشی مخصوص غیر فارسی زبانان بسیار محدود است. ماهیار (۸۱: ۱۳۸۴) می‌گوید «کتابهایی که برای ارائه زبان فارسی به مشتاقان خارجی تنظیم و تألیف شده است از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. با استفاده از تجربیات و نظرات اهل فن باید کتاب‌های جامعی تدوین و تألیف شود». تفضلی (۲۵: ۱۳۷۴) می‌گوید «... کتاب‌های درسی مخصوص خارجی‌ان در سطوح مختلف لازم داریم و نداریم. کتاب‌های خاص تدریس در ابتدایی، فوق لیسانس و دکترا نداریم» و می‌گوید البته از دولت هم توقع نمی‌شود کرد که کتاب بنویسد باید اساتید این کار را بکنند.

#### د. گام‌های مؤثری که برداشته شده است

۱. چندی است که شورایی تحت عنوان شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی تشکیل شده است که اعضای آن عبارتند از وزیر ارشاد (رییس شورا)، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر امور خارجه، رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و چند تن از متخصصان و صاحب‌نظران. مسئولیت امور راینی‌های فرهنگی با وزارت ارشاد و امور اعزام استاد و دعوت دانشجویان با وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تشکیل مدارس و کلاس‌ها بر عهده وزارت آموزش و پرورش است. در هر یک از زمینه‌های فوق فعالیت‌های چشمگیری صورت گرفته و می‌گیرد.

بنا بر اظهارات وزیر آموزش و پرورش (نجفی، ۱۳۷۴) «تعداد مدارس فارسی در دنیا از ۴۷ باب در سال ۱۳۶۷ به ۱۱۷ مدرسه در ۱۰۹ شهر دنیا افزایش یافته است. در این مدارس علاوه بر ایرانیان دانش‌آموزان غیر ایرانی نیز (حدود ۶۰۰ نفر) آموزش دیده‌اند. کتاب‌سازان اول به نام الفبا تدوین و چاپ شده و به تاجیکستان فرستاده شده است. چهارصد هزار نسخه کتاب اول و دوم آموزش زبان فارسی (آزفا) که راجع به آن صحبت خواهیم کرد نیز به تاجیکستان ارسال گردیده است. یک میلیون جلد کتاب‌های درسی و سی و سه هزار جلد کتاب‌های سوادآموزی به افغانستان تسلیم شده است که تاجیک‌های مهاجر شمال افغانستان را نیز زیر پوشش می‌گیرد.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی اساتیدی را برای

آموزش زبان بخصوص به کشورهای چون شبه قاره، چین و کره و کشورهای اروپای شرقی گسیل داشته و می‌دارد و اساتید ما در سمینارهای زبان ادب و فرهنگ ایران بخصوص در آسیای مرکزی و شبه قاره حضور فعال داشته‌اند.

وزارت ارشاد اسلامی و امور خارجه از طریق راینی‌های فرهنگی، خانه‌های فرهنگ و نمایندگی‌های خود در حدود بیش از ۶۰ کشور جهان کلاس‌های آموزش فارسی برای علاقه‌مندان دایر کرده‌اند. وزارت خارجه نشریه‌ای به نام کتاب هفته که لیست کتاب‌های فارسی در آن آمده است منتشر می‌کند و به ۱۳۶ نمایندگی خود در خارج می‌فرستد. اگر اساتید زبان فارسی کتابی از داخل لیست درخواست کنند برای آنها تهیه و ارسال می‌دارد. در کنفرانس‌های داخلی از تعدادی از اساتید خارجی به تنویر دعوت به عمل آمده و بورس‌هایی نیز برای تعدادی دانشجو منظور شده است، که برای اطلاع از جزئیات باید به وزارتخانه‌های مربوط مراجعه کرد.

۲. برخی از دانشگاهها در زمینه گسترش زبان فارسی فعالیت‌هایی انجام داده‌اند که قابل ذکر است مثلاً دانشگاه شیراز چند سالی است که با دانشگاه دایتوبونکای ژاپن قرارداد مبادله فرهنگی امضاء کرده است، نکته‌ای که هیچگاه پیرامون آن مطلبی گفته نشده و در جایی نیز نوشته نشده است. سال گذشته چهارمین دوره آموزشی - فرهنگی تعدادی از دانشجویان ژاپنی در همین دانشکده برگزار شد. در طول این چهار دوره بیش از ۸۰ دانشجو به مدت دو هفته در این دانشگاه آموزش دیده‌اند. هماهنگی برنامه آموزشی و فرهنگی کلاس‌ها بر عهده نگارنده بوده و کتابی که تدریس می‌شده توسط آقایان دکتر جعفرپور، دکتر صدیقی و خود اینجانب تألیف شده است.

جالب اینجاست که قبل از اینکه ژاپنی‌ها به دانشگاه‌های ما بیایند دوره‌های آموزش فارسی خود را در پاکستان می‌دیدند. با آشنایی که اینجانب با پروفیسور هارا و کوریاناگی داشتم مقدمات کار فراهم شد که به شیراز بیایند و البته اولیای محترم دانشگاه خود مشوق و پیگیر برنامه بوده‌اند.

برنامه دوره دکترا مخصوص خارجی‌ان از سال ۱۳۳۲ در دانشگاه تهران برقرار بوده است و هم اکنون نیز فعال است، با اینکه توزیع دانشجویان کشورها گسترده سابق را ندارد.

دانشگاه تهران با دانشگاه پکن قرارداد تدوین لغت نامه دارد. در سال ۱۳۶۸ مرکز بین‌المللی آموزش زبان

فارسی در دانشگاه تهران در جوار لغت نامه دهخدا تاسیس شده و بسیار فعال است. مرکز مخصوص آموزش فارسی مقدماتی به دانشجویان قبل از ورود به رشته‌های تخصصی دانشگاه است و یا افرادی که بر حسب علاقه می‌خواهند فارسی یاد بگیرند.

در سال گذشته برای گروهی از اساتید دانشگاه‌های ترکیه در دانشگاه اصفهان برنامه بازآموزی زبان و ادب پارسی برگزار گردید.

از فروردین سال ۱۳۷۲ انجمن ایرانشناسان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مشترک المنافع تشکیل شده است که دبیرخانه آن در پژوهشگاه علوم انسانی در تهران مستقر است.

۳. از کارهای مؤثری که در زمینه تهیه مواد درسی صورت گرفته است چهار کتاب آموزش زبان فارسی (آزفا) همراه با یک جلد راهنمای تدریس توسط یداله ثمره استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد که به طور گسترده‌ای توسط وزارت ارشاد توزیع شده است. کتاب‌ها بر روی نوار کاست ضبط شده‌اند. توضیحات لغات هم به انگلیسی می‌باشد و برای آموزش صداهای فارسی نیز فیلمی ویدیویی تهیه کرده‌اند. با اینکه هر رشته‌ای جا برای بهتر شدن دارد، این مجموعه توانسته است خدمت بزرگی به آموزش زبان فارسی در جهان بنماید. این کتاب‌ها به چند زبان ترجمه شده‌اند.

۴. تاسیس برنامه دوره کارشناسی ارشد آموزش فارسی به غیر فارسی زبانان برای ما جای بسی امیدواری است. تحقیقات هدفمند دانشجویان این رشته در آینده می‌تواند بس راهگشا باشد.

## ۵. پیشنهادات

با عنایت به کاستی‌هایی که در بالا آورده شد خواننده این سطور می‌تواند خود به نتایجی برسد. با اینکه مقامات مسئول اقداماتی مؤثر به عمل آورده‌اند ولی مشکلاتی در راه آموزش و پرورش و در نهایت گسترش زبان فارسی وجود دارد که بسیار جدی است که به چند مورد آن در زیر اشاره می‌شود.

۱. در کشور ما رفته رفته علاقه‌مندی و گرایش به رشته‌های زبان و ادب فارسی به علت پول‌ساز نبودن کم می‌شود، در برنامه‌ریزی‌های کلان باید در این باب فکری شود. باید ابتدا در داخل مملکت زبان و ادب جایگاه خود را بیابد تا بتواند در خارج تأثیر بگذارد.

۲. اگر می‌خواهیم دیگران به زبان فارسی روی آورند

باید فارسی‌دانان متفکری تربیت کنیم که مطالب ادبی و علمی نو و باب با این زبان بنویسند. باید محتوای این زبان با رشته حیات و زندگی امروزی متناسب باشد. باید زبان فارسی به گونه‌ای باشد که برای فراگیرنده آن فایده‌ای در برداشته باشد و به حل او و زندگی او مفید افتد. به علاوه در روزگار جدید زبان نقش‌های دیگری نیز بر خود گرفته است. ما این روزه با ارتباطات فکری شفاهی گونه‌گونی از طریق ماهواره، تلفن و تلویزیون روبرو هستیم. ارتباطات مکتوب ما در بسیاری از امور از طریق فکس و پست الکترونیکی و دیگر وسایل رایانه‌ای صورت می‌گیرد. باید زبان فارسی برای انجام این نقش‌ها پرورش یابد و زنده و پویا شود. تحقق این اهداف به کار و کوشش فراوان نیاز دارد.

۳. اساتید و دانشجویان ما باید مجهز شوند که علمی و روشمند کار کنند و نیز بتوانند نتیجه کار خود را حداقل به یک زبان خارجی عرضه نمایند و نتیجه نیز طوری باشد که قابل عرضه در مجامع بین‌المللی باشد. چگونه است که بانویی چون آنه ماری شیمیل می‌تواند به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، عربی، ترکی، فارسی، اردو، سندی، پنجابی و پشتو تسلط پیدا کند و حتی دستور زبان عربی بنویسد و آثار مولای رومی را تجزیه و تحلیل کند و ادبیات سندی را محک بزند و اشعار ترکی را به آلمانی ترجمه کند. ما افراد برجسته زیادی داشته و داریم ولی کافی نبوده است. باید با آموزش فارسی علمی و روشمند برخورد کنیم و این نیازی است جدی.

۴. کتب آموزش زبان ما واقعاً در سطح نازلی قرار دارند. در زمینه تهیه مواد آموزشی تست‌ها، دستور و فرهنگ لغت برای دیگر زبانان فعالیت نظام‌مندی باید صورت گیرد. این مطلب هم برای داخل ایران و هم برای خارج ایران صادق است.

۵. برای پر کردن خلاء فرهنگی مهاجرین ایرانی راه‌هایی چند وجود دارد. یکی ایجاد دوره‌های مکاتبه‌ای است که اینجانب در فرصت‌های مختلف به اهمیت آن اشاره کرده‌ام. خوشبختانه خیردار شدیم که دانشگاه پیام نور دانشکده‌ای برون مرزی تاسیس کرده است که برای دوره‌های کاردانی، لیسانس و فوق لیسانس ادب فارسی دانشجوی می‌پذیرد. به نظر من باید رشته‌های مکاتبه‌ای در بیشتر دانشگاه‌ها ایجاد شود.

در پایان این گفتار امیدوارم که دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز نیز با داشتن کادر قوی در تقویت برنامه‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی

زبانان در داخل و خارج، برقراری ارتباط بیشتر با مراکز آموزش فارسی در جهان از نوع آنچه با ژاپنی‌ها داریم، تهیه مواد آموزشی جدید و ارائه برنامه‌های آموزش مکاتبه‌ای مساعی لازم را مبذول دارد.

#### یادداشت

\* این مقاله جهت ایراد در «سینارنگری بر علوم انسانی» در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ تهیه شد.

#### منابع

۱. اقبال، محمد ظفر (۱۳۷۳)، «نمود فرهنگ ایران در فرهنگ و ادب اندونزی»، آشناء، سال ۳، شماره ۱۸.
۲. فضل‌ی، احمد (۱۳۷۴)، «سفیران فرهنگی ما در کشورهای دیگر»، مجله سروش، ۱۳۷۴، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.
۳. تقوی، رضا (۱۳۷۴)، «مجلس و زبان فارسی»، مجله سروش، ۱۳۷۴، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.
۴. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۴)، «زبان فارسی ساده، بی‌تکلف و مستحکم»، مجله سروش، ۱۳۷۴، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.
۵. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، «سودی بسوی نخستین شارح حافظ و سعدی در اروپا»، پژوهشگران، ۱۳۷۲، شماره ۷.
۶. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، «فارسی برای مردم هند فقط زبان نیست، یک فرهنگ است»، پژوهشگران، ۱۳۷۲، شماره ۸.
۷. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، «گزارش از یک ماموریت یک ساله به حیدرآباد»، پژوهشگران، ۱۳۷۳، شماره ۱۲.
۸. شهیدی، جعفر (۱۳۷۱)، «اشکهای بر ساحل تبیل»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۱، سال ۶، شماره ۱.
۹. شهیدی، جعفر (۱۳۷۲)، «طرح رشد و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور»، آشناء، ۱۳۷۲، سال ۲، شماره ۱۲.
۱۰. صدیقیان، مهیندخت (۱۳۷۳)، «فارسی زبان عبادی مسلمانان چین»، پژوهشگران، ۱۳۷۳، شماره ۱۳.
۱۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۴) «زبان فارسی در جهان»، خبرنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سال ۱، شماره ۱.
۱۲. فرهنگستان زبان و ادب ایران (۱۳۷۴) «نامه فرهنگستان»، سال ۱، شماره ۳.
۱۳. کهدویی، محمد کاظم (۱۳۷۳) «نگاهی کوتاه به ادبیات فارسی در بنگلادش»، آشناء، سال ۴، شماره ۲۱.
۱۴. گلشنی، عبدالکریم (۱۳۵۲) «نعیم فراشری شاعر بزرگ پارسی‌گوی آلبانی»، خرد و کوشش، شماره ۱۱ و ۱۲.
۱۵. ماهیار، عباس (۱۳۷۴) «آشنای دیگران و جواب ما»، مجله سروش، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.

۱۶. مجله سروش (۱۳۷۴) «نگاهی به زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش»، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.
۱۷. محمد بن الحکیم الزینمی (۱۳۶۰) «منهاج الطلب به کوشش محمد جواد شریعت، اصفهان، انتشارات مشعل».
۱۸. نجفی، محمدعلی (۱۳۷۴) «زبان و ادبیات فارسی، گنجینه‌ای بر ارج و منزلت»، مجله سروش، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.
۱۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۹) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۲.
۲۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۹) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۳.
۲۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۹) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۴.
۲۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۰) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۸.
۲۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۰) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۹.
۲۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۱) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۱۳.
۲۵. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۲) «بولتن خبری گزارش شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، شماره ۲۰.
۲۶. ولی، وهاب (۱۳۷۳) «ایران‌شناسی، نغذ زبان و ادبیات فارسی در ترکیه»، پژوهشگران، شماره ۱۳.
۲۷. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۴) «آسبب شناسی آموزش زبان فارسی به خارجیان»، مجله سروش، سال ۱۷، شماره ۷۷۰.
۲۸. یار محمدی، لطف الله (۱۳۷۱) «مسائل چند زبانی و آموزش زبان فارسی رسمی در ایران»، مجموعه مقالات سمینار بررسی ابعاد دو زبانی (دبیرخانه شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش) صص ۶۷ - ۵۷. این مقاله در مجله رشد آموزش ادب فارسی تابستان و پائیز ۷۱، سال ۷، شماره مسلسل ۳۰ - ۲۹ و در یارمحمدی، لطف الله (۱۳۷۴) «پانزده مقاله در زبان شناسی مقابله‌ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفتمان»، تهران: انتشارات رهنما تجدید چاپ شده است.

